

چکیده نظریه پزشکی انرژی

جمشید جمشیدی

معرفی نویسنده: این نظریه توسط **جیمز اوشمن**^۱ در دو کتاب^۲ او معرفی و بسط داده شده است.^۳ **اوشمن** دانشمند سوئیسی در رشته تحقیقاتی فیزیک بیولوژی^۴ و بیولوژی یاخته^۵ از دانشگاه آمریکائی پیتبرگ با درجه دکترا فارغ التحصیل می شود. او پس از فارغ التحصیلی در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی بسیاری ضمن سخن رانی های فراوان به تحقیقات ادامه می دهد. **اوشمن** ضمن انتشار رساله های علمی بسیار به مطالعه پزشکی مکمل هم علاقه نشان داده و کوشش می کند تا ساز و کار تاثیر آن ها را بوسیله نظریه پزشکی انرژی توضیح پذیر کند. **اوشمن** ضمن معرفی ایده های علمی خود در این دو کتاب از نظریات علمی ده ها محقق دیگر هم بهره برده است. در نوشتار کوتاه پیش رو بدون نام بردن از دانشمند خاصی نتیجه کلی ایده ها معرفی خواهد شد.



James L. Oschman

¹ James L. Oschman

² Energy Medicine, The scientific Basis, By James L. Oschman, PhD, Elsevier Science Limited 2002, All rights reserved.

Energy Medicine in Therapeutics and Human Performance, By James L. Oschman, PhD, Copyright 2003, Elsevier Science(USA), All rights reserved.

^۳ نوشتار در دست برگرفته از نسخه های ترجمه ژاپنی دو کتاب بالا است.

⁴ Biophysics

⁵ Cell Biology

پیش گفتار: در ابتدا لازم است ببینیم مقصود از پزشکی انرژی و فیزیک بیولوژی چیست. نظریه پزشکی انرژی رویکرد به تأثیرات ارتعاش امواج تحریکات در فعالیت های پزشکی و فیزیک بیولوژی تشریح کارکرد بدن جانداران بر پایه نظریه های فیزیک کوانتوم است.

تا بحال معمول بوده است تا هم عناصر ساختاری بدن، اعم از مولوکول ها، یاخته ها و اعضا و دستگاه ها و وجه کارکردی آن را بنابر قانونمندی های حاکم در فیزیک کلاسیک (نیوتونی)، فعل و انفعالات شیمیائی و بیولوژی تعریف و توضیح داده شود. اما آن چه که روش های علمی بر پایه نظریه های مکانیکی از توضیح ساز و کار "نیروی زندگی"، "قدرت خود ترمیمی بدن"، "تنظیمات فیزیولوژیکی مثل ساعت درونی بدن"، "تعادلات اسرارآمیز بدن" ناتوان بوده است کاربرد نظریه انرژی (نظریه زندگی) در این گزارش ها کوشش می کند برای آن ها پاسخ مناسب ارائه دهد.

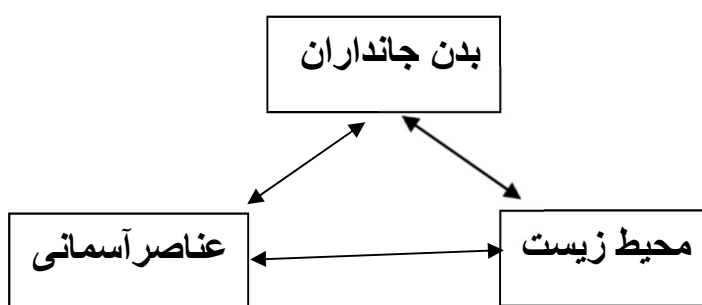
در آغاز: در زیر به واقعیت های نامرعی اسرارآمیز قدرت انرژی شناخته شده اشاره می شود.

۱- انواع انرژی: برق، مغناطیس، صدا، گرما، روشنائی، بو، اشعه لیزر، اشعه ایکس، اشعه فضائی، گیاهان طبی، آروما، دینامیک، نیروی ثقل، کارکرد بدن و هوشیاری^۶ همگی اشکال انرژی هستند که نمودی با خصوصیات موجی دارند.

۲- خصوصیات انرژی برقی: **(الف)** فرکانس در ثانیه (فوق العاده پائین ۱۰۰ هرتز)، (بسیار پائین بین ۱ تا ۱۰۰ هرتز)، (پائین بین ۵ تا ۱۰۰۰ هرتز). ارتعاش ها با فرکانس های بالا گرما را هستند. **(ب)** طول (قدرت) امواج. **(پ)** تداخل (هم آهنگ یا طنین آمیز، طنین شوومان) (نگ صفحه ۹، ۱۰)، **(ت)** کوهرینس^۷ (انسجام درونی و برونی).

۳- موجودیت انرژی: بدن جانداران- محیط زیست - کره زمین- گردش هوا- فضا... همگی در ارتباط تنگاتنگ با هم هستند.

۴- قانون موجودیت انرژی... $E=mc^2$

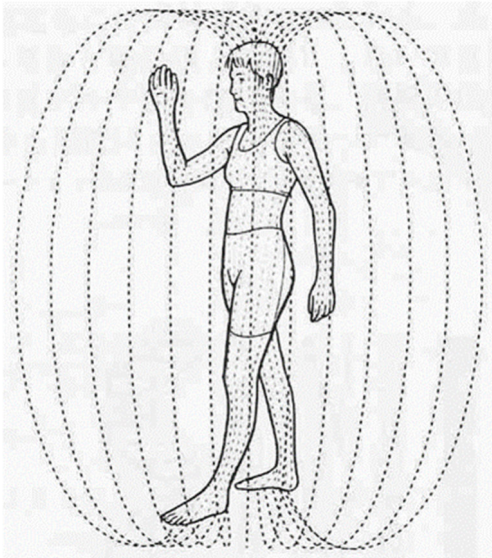


معلومات عمومی: جریان برق با عبور از هادی ها در اطراف خود میدان مغناطیسی ایجاد می کند. انرژی تولید شده در این میدان می تواند سبب جریان برق جدیدی بشود. همان گونه که در شکل ۱ نشان داده شده است جریان برق درون کویل اول ایجاد فضای مغناطیسی می کند که با

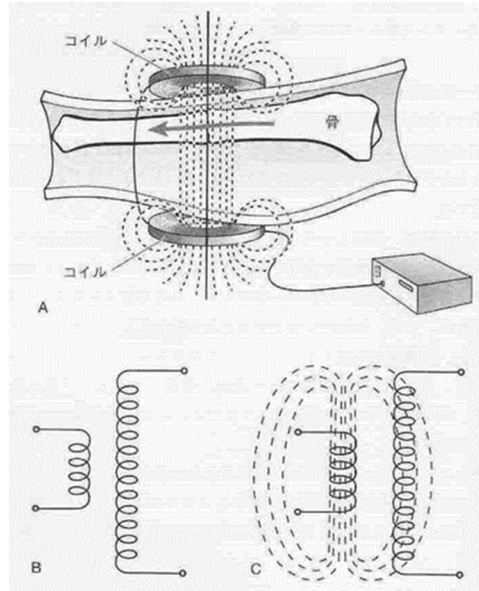
⁶ consciousness

⁷ coherence

قرار دادن یک کویل موازی جریان برق قابل دریافت می شود.



شکل ۲- میدان مغناطیسی بدن انسان



شکل ۱- بالا، ایجاد میدان مغناطیسی و تولید انرژی
برقی برای استفاده در ترمیم استخوان شکسته.
پائین، قرار گرفتن دو کویل در برابر هم و انتقال
برق از یکی پس از ایجاد میدان مغناطیسی.

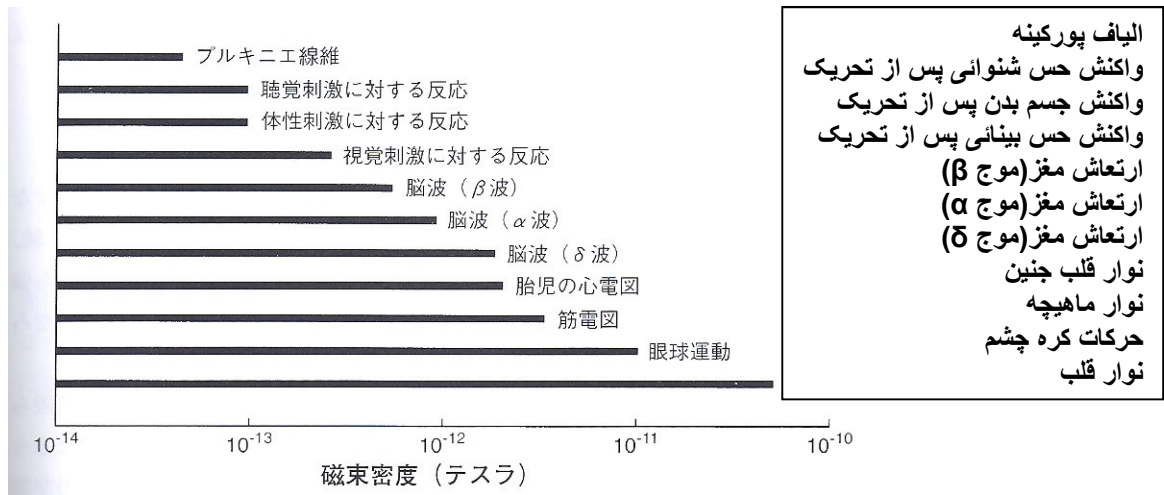
بی مرز بودن انرژی از بدیهیات علم فیزیک است اما انرژی الکترومغناطیسی بی مرز نیست، گسترش آن محدود است، در روند گسترش از قدرت آن کاسته می شود. در فیزیک کوانتوم الکترون می تواند از جدار غیرهادی هم عبور کند. به این پدیده خصوصیت تونلی می گویند. الکترون در عین ذره بودن خاصیت موجی هم دارد که حرکت آن را قابل عبور از هر گونه موانع می کند.

از نقاط بسیار بدن انسان انرژی الکترومغناطیسی تولید می شود که در اطراف خود ایجاد میدان مغناطیسی می کنند. اگر چه منبع اصلی تولید برق بدن بیشتر قلب و مغز است از نقاط بسیار بدن انرژی برقی تولید می شود. آزمایش نوار قلب و نوار مغز در پزشکی برای تشخیص بیماری ها کاربرد گسترده دارد. قدرت امواج مغناطیسی قلب برابر با یک میلیونم نیروی مغناطیسی زمین و یک هزارم قدرت امواج مغناطیسی محیط زیست است، بنابراین اندازه گیری آن باید در محیط در بسته و دور از میدان های مغناطیسی محیط اطراف صورت بگیرد.

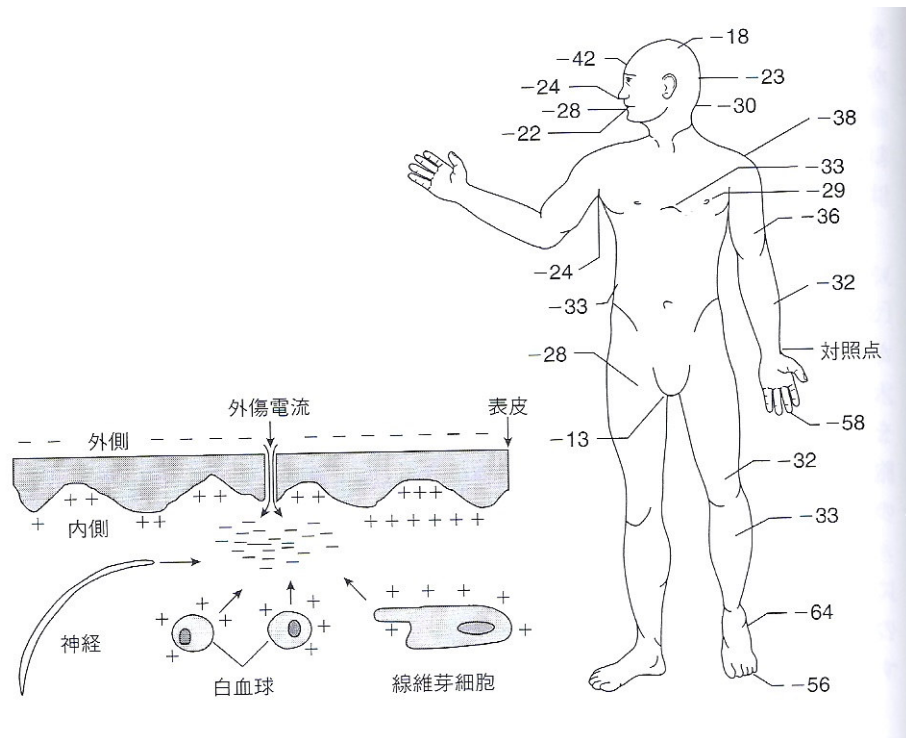
اگر چه امواج مغناطیسی مغز با وجود مایع نخاع، پرده سخت شامه مغز (دورا) و استخوان جمجمه و پوست سر در بیرون قابل دریافت است اما به جهت این موانع به اندازه یک ده هزارم تضعیف می شود.

شکل ۲ نتیجه اندازه گیری نیروی الکترومغناطیسی متصاعد از نقاط بسیار بدن را نشان می دهد. شکل ۳ و ۴ باتری نقاط گوناگون پوست را نشان می دهد. نقاط مختلف پوست از بار الکتریکی منفی گوناگون برخوردار است. بار الکتریکی منفی پوست با روند کارکرد ترمیمی پوست در

صورت جراحات ارتباط دارد. تاثیر بار الکتریکی در درون و برون جسم تن موضوع بسیار حیاتی است که در جای خود به آن پرداخته می شود.



شکل ۳- امواج مغناطیسی قابل دریافت در اطراف نقاط بسیار بدن (تسلا).



شکل ۴- شکل راست، باتری پوست انسان را نشان می دهد. نقاط متفاوت پوست بدن از بار الکتریکی منفی برخوردار است. شکل چپ، در صورت زخم روی پوست بار منفی وارد لایه عمق پوست شده با بار مثبت درون آن سبب فعل و انفعالی می شود.

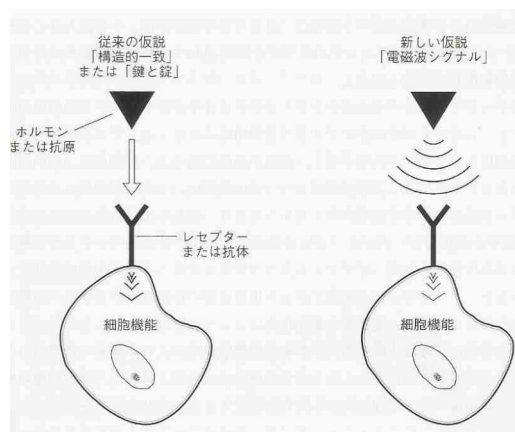
معلومات مکمل- ساختار بدن: (آ) ملکول، یاخته: ملکول ها از یک طرف می توانند به گونه مستقیم وارد یاخته مجاور که جاذبه آن ملکول را دارد شوند. این روند که به روش توپ بیلپارد معروف است تا بحال ایده مرسوم بوده است. اما روش دیگر انتقال اطلاعات و سیگنال ها از طریق ایجاد

انرژی الکترومغناطیسی است. در سرتاسر بدن انتقال اطلاعات می تواند از راه سیگنال های الکترومغناطیسی انجام گیرد. انتقال اطلاعات از راه سیگنال های الکترومغناطیسی نه فقط در بیرون یاخته ها حتی در درون یاخته ها و ملکول ها هم انجام می گیرد (شکل ۵).

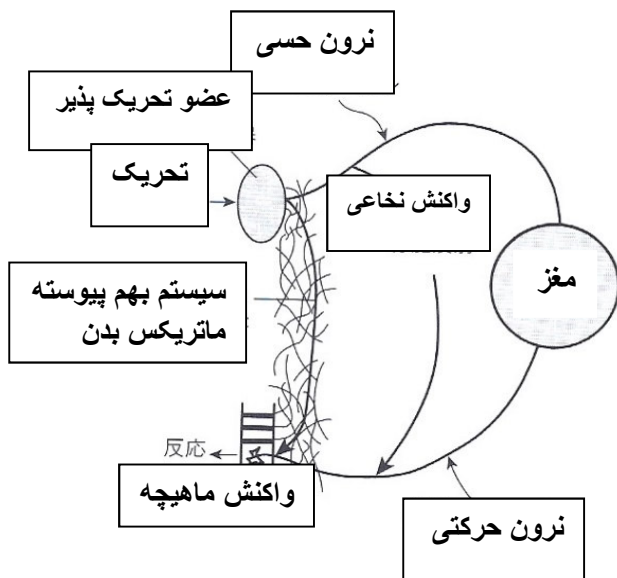
اطلاعات در بافت های درون بدن یا از راه تماس های مستقیم (سیناپس ها) یا نقطه به نقطه که به سیستم دیجیتالی یا مدل موضعی^۸ نامیده می شود با سرعت زیاد و کاملاً به سمت مشخصی انجام می گیرد. انتقال اطلاعات در رشته های عصبی مصداق این سیستم را دارد که در آن خود عصب نقش هادی^۹ را به عهده دارد.

اما نوع دیگر انتقال اطلاعات به روش آنالوگی یا مدل پروسه ای^{۱۰} صورت می گیرد که در آن انتقال اطلاعات در وسعت پهناور، بدون مرز، به سمت نامشخص قابل گسترش است و انتقال دهنده می تواند از جمله بافت های پوشنده^{۱۱}، مایعات باشند که نقش نیمه هادی^{۱۲} را بازی می کنند (شکل ۶). بنابراین انتقال اطلاعات در محیط بیولوژیک به دو روش دیجیتالی (خطی، سریع) و آنالوگی (غیر خطی، آهسته) صورت می گیرد.

شکل ۵- انتقال هورمون ها و ترانسپتورها به یاخته دریافت کننده از راه روش های سنتی (سمت چپ)، و روشی که مواد محرکه با ایجاد ارتعاشات الکترومغناطیسی خاص اطلاعات را منتقل می کنند (سمت راست).



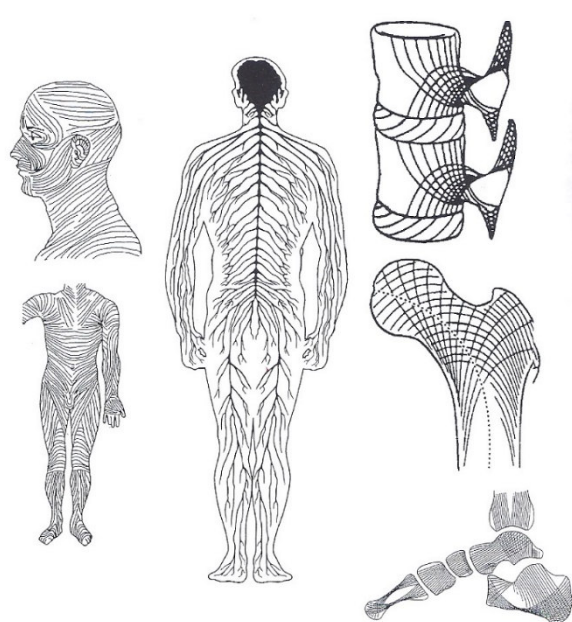
شکل ۶- دو نوع انتقال اطلاعات را نشان می دهد. انتقال سیگنال ها در درون رشته های عصبی چه آن هانی که وارد مغز می شوند یا وارد نخاع می شوند شکل نوع دیجیتالی (خطی) یا نقطه به نقطه دارد اما انتقال اطلاعات بیولوژیکی در بافت های محافظ یا مایعات می تواند به نحوه آنالوگی (غیرخطی) در وسعت بی حد صورت بگیرد.



- 8 localization model
- 9 conductor
- 10 process model
- 11 connecting tissue
- 12 semiconductor

ساختار بدن: ب) بافت، اندام: تمام اندام های بدن از جمله اندام های عصبی، عروق، استخوان، ماهیچه، لایه زیر پوست و غیره بوسیله بافت های محافظ پوشنده و مایعات و کریستال ها محاط شده اند (شکل ۷). این بافت ها علاوه بر محافظت از این اندام ها و تغذیه آن ها، ترمیم، بازسازی آن ها، مرزبندی میان اندام ها را هم بعهدہ دارند. علاوه بر این کارکردها آن ها کارکردهای دیگری هم دارند که معمولا به آن ها اشاره نشده یا به عبارتی اصولا شناخته نشده اند. بافت های محافظ به گونه نیمه هادی هائی هستند که اطلاعات گوناگون را به اندام های دیگر و حتی به درون سلول ها انتقال می دهند. برای مثال انواع تحریک های حسی و حرارتی، فشار و ضربه، زخم یا کشش بروی این اندام ها سبب ایجاد ارتعاشات الکتریکی می شود که بوسیله بافت های محافظ و پوشنده به گونه آنالوگی به اندام ها و حتی سلول های اطراف انتقال داده می شود. انتقال اطلاعات بوسیله بافت های محافظ عامل پیوستگی تنگاتنگ میان نقاط مختلف ساختار بدن است. به عبارتی این بافت ها موجد ماتریکس یا تولید منسجم شبکه سراسری بدن هستند.

روش تسریع بهبودی استخوان و یا توانائی بخشی به کارکردهای اندام ها از طریق تحریک های الکتریکی در فعالیت های کلینیکی شناخته شده است.



شکل ۷- نمونه ای از بافت محافظ در اطراف ماهیچه های زیر پوست (چپ)، اطراف رشته های عصبی (وسط)، اطراف استخوان (راست) و غیره.

نمونه بسیار با اهمیت این نوع بافت های محافظ وجود بافت های مجاور نرون ها هستند. تحقیقات بسیار در باره کارکرد این بافت ها که متشکل از یاخته های گلیا^{۱۳} (سلول های چسبنده) هستند صورت گرفته است. تعداد یاخته های گلیا را بیش از ۵ تا ده برابر تعداد نجومی نرون های سلسله اعصاب دانسته اند. یاخته های محافظ اعصاب مغزی سه نوع به نام های، آستروسایت^{۱۴}، اولیگو دندروسایت^{۱۵}، میکرو گلیا^{۱۶}، یاخته های تولید کننده سازه مایلین پوشنده اعصاب به نام شووان

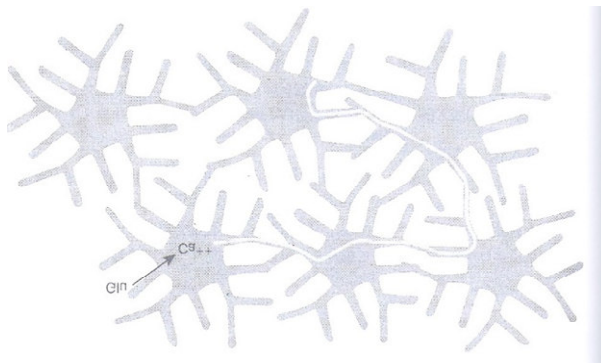
¹³ Glial cells

¹⁴ Astrocytes

¹⁵ Oligodendrocytes

¹⁶ Microglia

سل^{۱۷}، یاخته های درون حفره های مغزی به نام اپنڈیمال سل^{۱۸} و یاخته های محافظ اعصاب محیطی به نام ساتلایت سل^{۱۹} همگی در حمایت و تعادل کارکرد اعصاب نقش بسیار قابل توجه ای دارند.



شکل ۸- بافت گلیا آستروسایت را نشان می دهد که با ارتباط شاخه های یاخته ای شبکه منسجمی را تشکیل داده اند تا ملکول کلسیم را درون خود منتقل کنند.

آستروسایت ها (یاخته های ستاره شکل) (شکل ۸) ملکول های ساده از جمله کلسیم تا ملکول های پیچیدتر از جمله ترانس میترا های (هورمون ها) عصبی را هم منتقل می کنند. کارکرد این بافت های گلیا کمتر از خود رشته های عصبی نیست. بررسی ها نشان می دهد حتی یاخته های گلیا به مانند یاخته های بنیادی می توانند به نرون های قشر مغز تغییر شکل و کارکرد دهند.

در سطح یاخته لازمست به ساختار بیولوژیکی با پدیده های فیزیکی همراه آن که فرایند انتقال اطلاعات را امکان پذیر می کند اشاره شود. شکل ۹ ساختار درونی یاخته و رابطه آن با محیط بیرون خود را آشکار می کند.

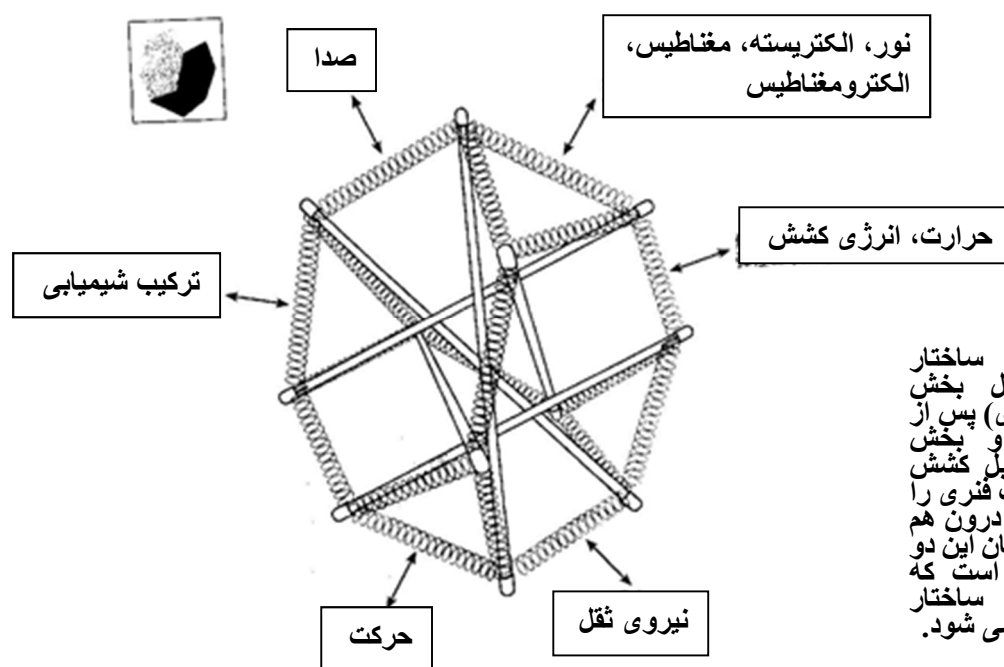


رابطه تنگاتنگ ساختار بیولوژیکی درون و برون یاخته فضائی را ایجاد می کند که تمام تغییرات ساختاری، شیمیائی و فیزیکی درونی و بیرون به یکدیگر منتقل شود. این انتقال تغییرات از یاخته به یاخته و از یاخته به بافت بوسیله انتگرین های قشر یاخته، از بافت های پوششی به اندام، از اندام به دستگاه و در نهایت به ساختار کلی بدن گسترش پیدا می کند، و این همان شکل گیری پدیده

17 Schwan cells
18 Ependymal cells
19 Satellite cells

ماتریکس یا ساختار شبکه مانند بدن است. تغییرات در ترکیبات شیمیایی، بیولوژیکی و غیره در واکنش به تحریکات فیزیکی از جمله فشار، تکان ها، حرارت، صدا، نور و غیره در قالب مجموعه ای از ارتعاش ها از بیرون به درون یاخته یا از درون یاخته به فضای بیرون از آن منتقل می شود. ارتعاش ها ایجاد انرژی می کنند که این انرژی یا جذب می شوند یا تشدید شده و یا بشکل دیگری از انرژی به ساختار مجاور خود منتقل می شود. انرژی هرگز از بین نمی رود.

پیدایش ارتعاشات حاصل از تغییرات، زمانی که در هم آهنگی و تعادل منتقل شوند حاصل آن کارکردهای طبیعی و نرمال است. در این فعل و انفعالات پدیده تنسوگرایی^{۲۰} ماتریکس بدن دیده می شود. ارتعاش های ترکیبات شیمیایی به مانند فنرهای مفروض است که بوسیله ساختارهای سخت و پابر جا به مانند اسکلت ساختارها هم آهنگ می شوند. در بعد یاخته ای مولوکول های استخوان بندی یاخته، در بعد اندام، تاندون ها، مفصل ها به مانند فنر ها و استخوان و ستون فقرات به مانند ستون های سخت محافظ، یک مجموعه هم آهنگ را تشکیل می دهند که خروجی آن یک کارکرد طبیعی موثر است (شکل ۱۰).

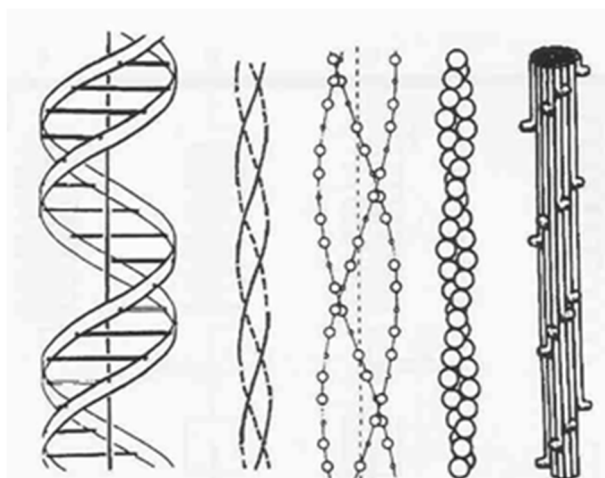


شکل ۱۰- یک ساختار تنسوگرایی شامل بخش قابل ارتعاش (فنری) پس از ورود تحریکات و بخش سخت و غیر قابل کشش است که ارتعاشات فنری را کنترل می کند. از درون هم آهنگی و تعادل میان این دو بخش ساختاری است که کارکرد نرمال ساختار بیولوژیک منتج می شود.

ملکول های تشکیل دهنده بافت های پوشنده یا پیوند دهنده میان اندام ها به نحوی شکل می گیرند تا بتوانند اطلاعات را با بازده بالا منتقل کنند. شکل ۱۱ برخی از ملکول های درون و بیرون یاخته را نشان می دهد. در این شکل ملکول هائی را مشاهده می کنید که متشکل از اتم هائی است که به طرز قابل توجهی بطور منظم در ردیف هم چینش شده اند. فرایند ساختار مارپیچی این سازه های بیولوژیک نشانگر توانائی انتقال اطلاعات با بازده بالا است. این ملکول ها نیم هادی های بافت

²⁰ Tensegrity

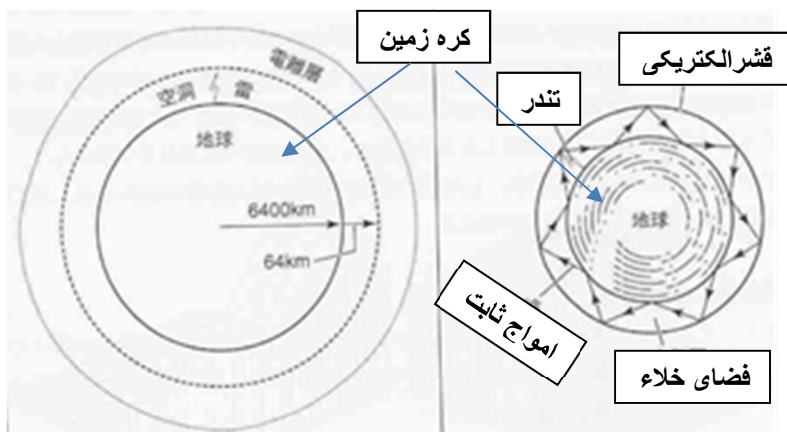
های متشکل در ماتریکس بدن را عهده دار هستند.



شکل ۱۱- ملکول های تشکیل دهنده یافت های پوششی و یا پیوند دهنده اندام ها در ماتریکس بدن. ساختار مارپیچی این ملکول ها که در نهایت به رشته های منسجم ختم می شوند خصوصیت نیم هادی ها را برای انتقال اطلاعات که عموماً بشکل ارتعاشات است نشان می دهد. ملکول های میوزین و اکتین که ساختارهای یافت ماهیچه هستند نیز از خاصیت بالای انتقال اطلاعات را دارند. ساختار DNA درون هسته یاخته هم دارای ساختار مارپیچی است.

DNA kratin collagen actin myosin

تاثیر انرژی های کره زمین روی بدن جانداران (مخصوصاً انسان): در ابتدا باید از تاثیر انرژی های حادث از خورشید، ماه و سیارات و کلا منظومه شمسی بر روی کره زمین نام برد. اما فضای الکترو مغناطیسی روی کره زمین تنها بوسیله این انرژی ها ایجاد نمی شود. آن گونه که در شکل ۱۲ نشان داده شده است گروه این انرژی ها به امواج همیشگی و ثابت نامبر هستند. این امواج در فضای خلاء بالای کره زمین شکل می گیرند. همان گونه که در شکل هم هویدا است این امواج با انعکاس برو برگرد در فضای خلاء بر روی کره زمین تاثیر می گذارند.

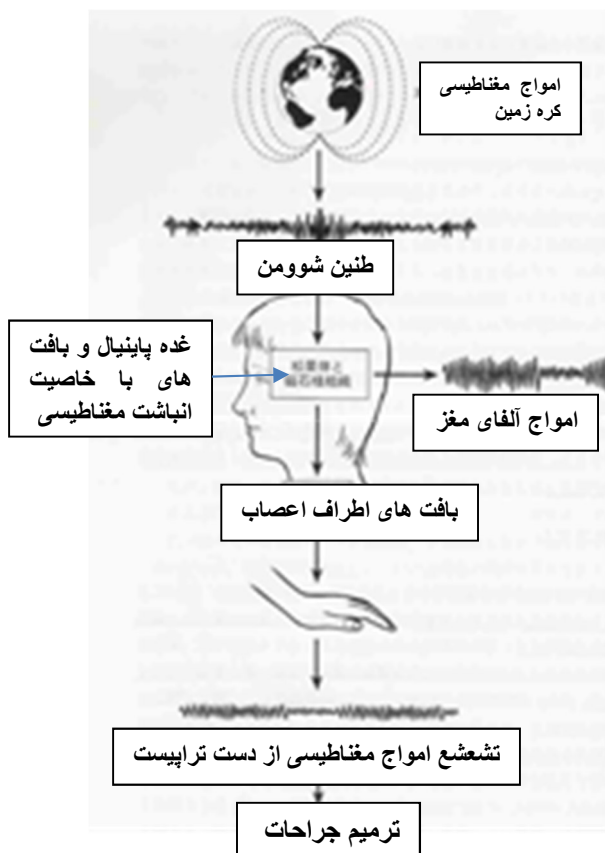


شکل ۱۲- ساختار کلی کیهان فیزیکی، کره زمین، فضای خلاء و قشر الکتریکی بالای آن.

اما لازم است به تحقیقات قابل توجه شوومن^{۲۱} در دهه پنجاه قرن بیستم در باره تندر (آسمان غرش، رعد) در کتاب او شمن اشاره کنیم. شوومن بر این ایده است که تندر در قشر بالای خلاء از ابرها حادث می شود و پس از انعکاس در این قشر و فضای خلاء بالای کره زمین با امواج ثابت این فضا ایجاد طنین (طنین شوومن) می کند که نتیجه آن در نهایت خروجی امواج در این فضا فرکانس های فوق العاده کم در حدود بین هفت تا ده هرتز در ثانیه است، که تقریباً بازه فرکانسی آن برابر با امواج آلفای مغز در حالت هوشیاری است. شوومن عقیده دارد که روزانه حدود چهل میلیون

²¹ Schumann WO (

بار تندر اتفاق می افتد، اگر چه ما فقط تعداد جزئی از این تندر ها را تجربه می کنیم.



لازمست بدانیم که امواج مغزی در محدوده مغز باقی نمانده، از طریق بافت های اطراف اعصاب و غده پاینیال^{۲۲} به تمام نقاط بدن منتقل می شود. این نظریه در مشاهدات فعالیت های تراپیست های حرفه ای به گونه بارزی ابراز شده است. تراپیست ها با تمرکز ذهن و مراقبه از راه انتقال امواج مغناطیسی دست خود به مخاطب در صدد ترمیم و بازسازی و یا رشد اندام های او بر می آیند(شکل ۱۳). امواج مغناطیسی دست تراپیست در بازه ۰/۳ تا ۳۰ هرتز سنجش شده است. در محدوده این فرکانس ها تراپیست ها می توانند بازسازی اعصاب(۲ هرتز)، رشد استخوان(۷ هرتز)، ترمیم تندون(۱۰ هرتز) و تسریع شکل گیری مویرگ ها و یاخته های تولید الیاف(۱۵ هرتز) را تحقق بخشند.

شکل ۱۳- انتقال انرژی مغناطیسی از کیهان تا به دست تراپیست را نشان می دهد.

ادامه دارد- ۲۲ اوت ۲۰۲۴